

شرح صدر

حجة الاسلام والمسلمين محمدی ری شهری

هنگامیکه خداوند خیر کسی را بخواهد، سینه اش را برای پذیرش اسلام باز می کند، و با عنایت شرح صدر زیانش را به حق گویا می نماید و او حق را در زندگی پیاده می کند، و هنگامی که خداوند وفاداری بحق را در گفتار و کردار برای او جمع کرد اسلام او کامل می گردد.^۱

در این سخن دو نکته قابل تأمل است:

نکته اول در تفسیر اسلام و نکته دوم در تفسیر شرح صدر

اسلامی:

در تفسیر امام، اسلام عبارت است از تعهد و وفاداری به حق در گفتار و کردار و مسلمان کامل کسی است که کاملاً تسلیم حق باشد.

عبارت دیگر معیار اسلام شناسی، معیار مسلمان شناسی و معیار جمهوری اسلامی و حکومت اسلام، حق است، اسلام چیزی جز حق نیست و چیزی جز حق نمی گوید و نمی خواهد. بنابراین هر چه ناحق و باطل باشد از اسلام بیگانه و اسلام از آن بیگانه است. و مسلمانی انسان با هواداری او از حق اندازه گیری می شود، هر قدر که انسان هوادار حق باشد و حق را در گفتار و کردار پیاده کند مسلمان است، و هر قدر که حق را در زندگی رعایت نکند مسلمان نیست و مسلمان کامل و تمام عیار کسی است که عقاید و گفتار و کردار او کاملاً موافق با حق باشد. و حکومت اسلامی نظامی است که اساس حاکمیت حق و عدل باشد، هر قدر که حکومتی به حق نزدیکتر باشد به اسلام نزدیکتر است.

بنابر تفسیری که از اسلام در کلام امام آمده معنای شرح صدر اسلامی یا شرح صدر برای اسلام، عبارت است از آمادگی روحی انسان برای پذیرش حق. این آمادگی مقدمه هدایت خاص الهی است؛ افرادی که موانع این نوع هدایت را از خود دور کنند و شرایط آنرا فراهم سازند از این عنایت برخوردار خواهند شد و بگفته قرآن کریم:

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۲

کسی را که خدا بخواهد هدایت کند به او آمادگی پذیرش اسلام عنایت می نماید.

آمادگی برای پذیرش اسلام و شرح صدر اسلامی با توضیحی که گذشت چیزی جز آمادگی برای پذیرش حق نیست، و این آمادگی توأم با نور و روشن بینی و بینش ویژه ای است که انسان، حق را حق می بیند و باطل را باطل مشاهده می کند.

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ لِلْإِسْلَامِ فَهَوْ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ»^۱

آیا کسی که سینه اش را آمادگی برای پذیرش اسلام داده و در نتیجه همواره با نوری الهی قدم برمی دارد. قابل مقایسه با

در قسمت گذشته سخن درباره مهمترین اصل از اصول مدیریت یعنی «شرح صدر» بود و توضیح دادیم که در قرآن کریم سه نوع «شرح صدر» مطرح شده است، شرح صدر مطلق، شرح صدر اسلامی و شرح صدر کفّری. شرح صدر مطلق را توضیح دادیم و اینک تبیین شرح صدر اسلامی

شرح صدر اسلامی

دومین نوع شرح صدر که در قرآن کریم آمده «شرح صدر اسلامی» است. مقصود از شرح صدر اسلامی یا شرح صدر برای اسلام یکی از ابعاد شرح صدر مطلق یعنی آمادگی قلب برای پذیرش حق است.

چرا شرح صدر اسلامی را به آمادگی برای پذیرش حق تفسیر می کنیم؟ چون اسلام چیزی جز تسلیم در برابر حق نیست که «الاسلام هو التسليم»^۱ در تفسیر شرح صدر اسلامی روایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ، فَإِذَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ أَلْطَقَ اللَّهُ لِسَانَهُ بِالْحَقِّ فَعَمَلٌ بِهِ فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ تَمَّ لَهُ إِسْلَامُهُ».

کسی است که این آمادگی را ندارد و دلش را قساوت گرفته؟! **گفته:**

و از آنجا که اسلام چیزی جز حق نیست، حق عین اسلام است و اسلام عین حق، کسی که با روشن بینی الهی اسلام را ببیند و آمادگی برای پذیرش حق داشته باشد، بی تردید آنرا می پذیرد، و بدین ترتیب شرح صدر برای حق، شرح صدر برای اسلام و شرح صدر اسلامی نامیده می شود.

شرح صدر کفری

سومین نوع شرح صدر که در قرآن مطرح شده است «شرح صدر کفری» است. شرح صدر کفری و یا شرح صدر برای کفر، نقطه مقابل شرح صدر اسلامی و به معنای آمادگی قلب برای پذیرفتن حق است. قرآن کریم از آمادگی قلب برای نپذیرفتن حق سه تعبیر دقیق و جالب دارد که هر یک از این تفاسیر بعدی از ابعاد و اثری از آثار این ویژگی روانی را بیان می نماید. این سه تعبیر عبارتند از:

۱- ضیق صدر.

۲- قساوت قلب.

۳- شرح صدر به کفر.

الف: ضیق صدر

این تعبیر در ادامه آیه ۱۲۵ از سوره انعام آمده است. در این آیه پس از مطرح شدن شرح صدر اسلامی آمده:

«وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُصِلَهُ يَجْعَلْ صُدْرَهُ صَبِيحًا حَرْجًا كَأَنَّمَا تُصَعَّدُ فِي السَّمَاءِ».

کلمه «ضیق» به معنای تنگ و کلمه «حرج» به معنای تنگ‌نوی از تنگ است، بنابراین معنای آیه چنین می شود.

کسی که خداوند بخواهد او را گمراه کند سینه اش را سخت تنگ می کند، بگونه ای که گویا به آسمان بالا می رود.

و در ادامه حدیثی که در ارتباط با تفسیر شرح صدر اسلامی از امام صادق علیه السلام نقل شد امام در تبیین «ضیق صدر» می فرماید:

«وَإِذَا لَمْ يُرِدِ اللَّهُ يُعْتِدْ خَيْرًا وَكَوَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَكَانَ صُدْرَهُ صَبِيحًا حَرْجًا فَإِنْ خَرَى عَلَى لِسَانِهِ حَقٌّ لَمْ يَتَعَقَّدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ. وَإِذَا لَمْ يَتَعَقَّدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ لَمْ يُعْطِهِ الْعَقْلُ بِهِ. فَإِذَا اجْتَمَعَ ذَلِكَ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُوتَ وَهُوَ عَلَى بَلْكَ الْحَالِ كَانَ مِنْدًا لِلَّهِ مِنَ الْمُتَأَفِّفِينَ».

و هنگامی که خداوند خیر کسی را نخواهد او را بخود و

می گذارد و با این واگذاری سینه اش سخت تنگ می شود «بگونه ای که هیچ حقی را نمی تواند پذیرا باشد» و در نتیجه اگر احیاناً حقی هم بر زبانش جاری شود دلش نمی تواند آنرا باور کند و وقتی دلش حق را باور نکرد توفیق عمل به آنچه بر زبان جاری ساخته پیدا نمی کند. و هنگامیکه این ویژگیها تا موقع مرگ در او ادامه یافت، او نزد خداوند جزه منافقین محسوب می گردد.

برای توضیح آنچه در آیه کریمه و روایتی که ذکر شد در باره ضیق آمده توجه به چند نکته ضروری است:

۱- چگونه انسان دچار ضیق صدر می شود؟

قرآن کریم می فرماید: وقتی که خداوند بخواهد کسی را گمراه کند او را مبتلا به ضیق صدر می نماید، بنابراین علت ابتلاء انسان به ضیق صدر از نظر قرآن تصمیم خداوند برای گمراهی اوست. امام صادق علیه السلام هم در روایتی که گذشت می فرماید اگر خداوند خیر کسی را نخواهد و او را بخود واگذارد او مبتلا به ضیق صدر می شود یعنی خیرخواهی نکردن خدا برای کسی و واگذاری او سبب ضیق صدر می شود.

از آنجا که هدایت و اضلال خداوند و نیز خیرخواهی او بر مبنای حکمت است و ریشه در اعمال انسان دارد، کارهای خلاف انسان سبب می شود که او نتواند از انوار هدایت الهی استضائه کند و بطور طبیعی وقتی راه را ندید گمراه شود، بنابراین خیرخواهی نکردن خداوند و اضلال او در مورد افرادی که موجبات آنرا فراهم کرده اند باین معنا نیست که خداوند با آنها دشمنی خاصی داشته و سعادت آنها را از ابتدا نمی خواسته است، یا بیش از آنچه اعمال ناشایسته آنها اقتضا می کرده آنها را مجازات نموده، بلکه آنها خود سبب شده اند که در نظام آفرینش از مدار هدایت خارج شوند و در مدار ضلالت قرار گیرند و با قرار گرفتن در مدار ضلالت دیگر امیدی برای وصول آنها به خیر و سعادت نیست، اینست که بگفته امام، خداوند چنین افرادی را راه می کند و بخود واگذارد می نماید و با قطع عنایات الهی انسان دچار ضیق صدر می گردد.

۲- کسی که دچار ضیق صدر شود پذیرفتن حق برای او فوق العاده سخت است.

از نظر قرآن برای کسی که مبتلا به ضیق صدر است پذیرفتن حق همانند بالا رفتن به آسمان سخت و دشوار است.

همانگونه که وقتی انسان به فضا پرواز می کند «بدون ماسک اکسیژن» دچار تنگی نفس می شود و احساس می کند که سینه او تنگ شده و بتدریج بیهوش می شود و اگر این حالت ادامه پیدا کند

بقیه در صفحه ۴۷

ولی وابستگیهای نابجا و تقلید از فرهنگ بیگانگان و ضرورت‌های ساختگی، مانع توافقی بر یک راه حل صحیح و منطقی است. غرب مشکل را با آزادی جنسی حل کرده است! و تمدن شاهنشاهی نیز می‌رفت تا به همین وسیله مشکل را حل کند! البته حلی که گذشته از عذاب الهی و مخالفت قانون شرع و اخلاق انسانی، نظام اجتماعی را به قانون جنگل تبدیل می‌کند. هم اکنون دنیای متمدن گرفتار عواقب وخیم این آزادی و بی‌بندوباری است. بهرحال چنین راه حلی برای جامعه ما به هیچ وجه مطرح نیست. آیا در چنین حالی وقت آن نرسیده است که برای این مشکل عظیم اجتماعی فکری بشود؟!

بهرحال مسئله ازدواج و برداشتن مشکلاتی که بر سر راه جوانان است، باید از هر جهت بررسی شود. و شک نیست که ابعاد پیچیده این مشکل به خصوص با وضع اقتصادی کنونی و مسائلی از قبیل نظام وظیفه و ادامه تحصیل، مطلبی نیست که در

یک مقاله بتوان آنها را بررسی کرد ولی نکته‌ای که باید مورد توجه پدران باشد این است که حداقل هر کس در رابطه با مسئولیت شخصی خود در برابر فرزند و تأمین نیازهای ضروری و طبیعی وی و از همه مهمتر حفظ دین و ایمان او که سرمایه سعادت انسان است، باید وظیفه خطیر خود را فراموش نکند و از حدود مقررات شرع نیز تجاوز ننماید. خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید.

به نامه زیر توجه کنید که تازه‌ترین نامه در این باره است:

من خواهری داشتم که پسرخاله من او را به ازدواج خود درآورد و خاله من هم دختری دارد که از طرف خانواده‌ام و خانواده خاله‌ام، مرا تحت فشار قرار داده‌اند و با اصرار زیادی به پدر و مادرم گفته بودند همینطور که سرما، دختر شما را به عقد خود درمی‌آورد، این یک دانه پسر شما هم باید دختر ما را به عقد و ازدواج خود در بیاورد بدون اینکه پدر

بامادر من بیاند و در این موضوع راجع به دخترخاله من حرفی بزنند، اینها بدون اینکه من بفهمم در یک شب قبالة خواهرم و قبالة مرا نوشته بودند و به جای اینکه من و دیگر خویشاوندان قبالة خواهرم را امضا کنیم، آنها قبالة مرا به من دادند و گفتند: این قبالة خواهرت است و همه امضا کردند و سپس من هم امضا کردم. پس از یک سال فهمیدم که اینها چه سیاستی را بکار برده‌اند و به جای اینکه قبالة خواهرم را امضا کنم قبالة خودم را امضا کرده‌ام!...

والآن پس از چهار سال است که از این واقعه گذشته است و نه من راضی به ازدواج هستم و نه دخترخاله‌ام راضی به ازدواج است و اینها هم خانواده من و هم خانواده دخترخاله‌ام. زندگی ما را تباہ کرده‌اند و از آن روز تا به این تاریخ (۶۶/۷/۵) من به بیماری روانی و اعصاب مبتلا شده‌ام...»

بقیه از شرح صدر

می‌میرد، همچنین کسی که مبتلا به ضیق صدر است، در پرواز در فضای حقائق احساس تنگی و خفگی می‌کند و نمی‌تواند حتی راهی را که بر او عرضه می‌شود بپذیرد و در خود جا دهد و اگر این حالت ادامه یابد مرگ معنوی انسان فرا می‌رسد.

۳- ضیق صدر تدریجاً تحقق پیدا می‌کند.

سومین نکته‌ای که از آیه ۱۲۲ سوره انعام قابل استفاده است اینست که ضیق صدر امری تدریجی است. زیرا انسان در پرواز به فضا بتدریج دچار تنگی نفس می‌شود و هر چه اوج بگیرد بیشتر احساس تنگی سینه می‌کند تا آنجا که بیهوش شود و یا اگر این حالت ادامه یابد بمیرد، قرآن کسانی که در برخورد با حقایق احساس تنگی سینه می‌کنند را به چنین فضا نوردی تشبیه کرده است. خداوند هیچکس را با سینه تنگ و قلب بسته نیافریده، استعداد ذاتی همه مردم در پذیرش حق یکسان است، ولی عده‌ای در نتیجه عمل ناشایسته خود بتدریج دچار کم ظرفیتی می‌شوند، گویا قرآن قلب

چنین افرادی را به ظرفی تشبیه کرده که در برخورد با مظلوف خود بتدریج تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود تا اینکه جانی برای پذیرفتن مظلوف در آن باقی نمی‌ماند، عده‌ای اینگونه هستند که وقتی حق بر آنها عرضه شود ظرف دلشان جمع و تنگ می‌شود و احساس تنفر و انزجار می‌کنند، و این احساس در برخورد با حقائق بتدریج افزوده می‌شود تا آنجا که دیگر در دل جاشی برای پذیرش حق نمی‌ماند و اینجاست که مرگ معنوی انسان فرا رسیده است. انشاء الله در قسمت چهارم از این بحث دو تعبیر دیگر قرآن از آماده نبودن قلب برای پذیرش حق یعنی «قساوت قلب» و «شرح صدر کفوری» را توضیح می‌دهیم و سپس رابطه شرح صدر و مدیریت را بیان خواهیم کرد.

ادامه دارد

۱- میزان الحکمه- ج ۱- باب ۱۸۷۶.

۲- میزان الحکمه- ج ۳- ص ۱۷۱- باب ۸۹۵.

۳- سوره انعام- آیه ۱۲۵.

۴- سوره زمر- آیه ۲۲.